

موضوع: توصیه اسلام به فرزندآوری

عناوین:

- ۱- نقش فرزندآوری در زندگی فردی و اجتماعی
- ۲- نقش جمعیت، در افزایش قدرت
- ۳- کثرت جمعیت، نعمت و امداد الهی
- ۴- ترک ازدواج و فرزندآوری، نوعی سوء ظن به خدا
- ۵- ترک فرزندآوری، از ترس فقر و گرسنگی
- ۶- امید به فرزندآوری با استمداد از خدا
- ۷- فرزند خوب، باقیات الصالحات والدین

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین بعدد ما أحاط به علمه، الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی

در این جلسه بحث ما بحث فرزندآوری و جمعیت است. چون بعضی‌ها هم ازدواجشان سنش بالا می‌رود و بعد که ازدواج می‌کنند چند سال جلوگیری می‌کنند که بچه‌دار نشوند، بعد از مدت‌ها که بچه‌دار شدند می‌گویند: یک بچه بس است و فو‌قش دو بچه، بعد هم وقتی با آنها مصاحبه می‌کنی می‌گوید: نان گران است، تخم مرغ گران است. خودرو گران است. مسکن گران است. حرف آنها هم درست است. حالا من امروز مطالب زیادی را در مورد نظر اسلام در مورد فرزند جمع کردم. موضوع بحث ما این است.

بسم الله الرحمن الرحیم، موضوع: [پای تخته] جمعیت و فرزندآوری. این فرزندآوری بستر چه کارهایی هست؟

۱- نقش فرزندآوری در زندگی فردی و اجتماعی

یعنی آدم که اولاد دارد بستر امید است. بستر روح جمعی است. روح اجتماعی است. اینها از برکات جمعیت آوری است. بستر کار و تلاش است. یعنی آدمی که زن و بچه دارد، بچه‌هاش متعدد دارد، انگیزه‌اش برای کار بیش از دیگران است. پر کردن ایام فراغت است. آنهایی که بچه دارند بخشی از عمرشان صرف گفتگو و نظارت و تعلیم و تربیت و بازی با بچه است. بستر نظارت است. یکی از اصول مدیریت نظارت است. آدمی که بچه دارد، تمام بچه‌هایش، چه خوردی، کجا رفتی، چه کردی؟ کجا بودی؟ تقویت قدرت نظارت است. ذخیره آینده، چون در روایت داریم دُخَر، دُخَر یعنی ذخیره، ذخیره آینده است.

حالا ما حدیث داریم که «قُلَّةُ الْعِيَالِ» یعنی اگر عائله آدم کم باشد، زن و بچه کم باشند، [پای تخته] «قُلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينَ» کار آدم آسان است. این حدیث را چه می‌کنید؟ شما حدیث می‌خوانی بچه دار شدن خوب است. حدیث داریم آدم کم بچه داشته باشد کارش آسان است. بله کار آسان است. طبیعی است. ولی آیا گفتند سراغ این کار بروید؟ مثل اینکه می‌گوییم آقا شلغم پخته استخوان ندارد. این یعنی بهترین غذاست؟ مگر نگفتند شلغم پخته بخورید؟ چون استخوان ندارد. گوشت ماهی استخوان دارد. آسان است معنایش این نیست که این کار آسان کار خوبی است. اگر یک معلم سر امتحان در ورقه امتحانی چهار سؤال را مشکل داشت، چهار سؤال آسان، این سؤال آسان دلیل بر این نیست که کار خوبی است. گاهی هم خوبی به این است که سؤالها یک خرده پیچ داشته باشند.

پیغمبر فرمود: ازدواج کنید، «فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ» هرکس می‌خواهد مثل پیغمبر عمل کند باید از بچه دار شدن جلوگیری نکند. اینها مسائل تقریباً فردی بود. امید، روح اجتماعی، کار و تلاش، پر کردن ایام فراغت، ذخیره قیامت، اینها آثاری بود که در فرد است. در جامعه هم همینطور است. جامعه اگر جمعیت کم باشد قورتش می‌دهند. نگاه کنید کشورهایی که جمعیت کم دارند با اراده طاغوت‌ها تکان می‌خورند عین دم سگ، سگ هرطور بخواهد دمش را تکان می‌دهد. بلند شوید بایید این را تصویب کنید. اینجا این رقمی موضع بگیرید. به این حمله کنید، از او دفاع کنید. این کشورهایی که خودشان

جمعیتشان کم است. چون جمعیت کم است، تحصیلات کم است. تحصیلات کم است اقتصاد هم کم‌رنگ است. قدرت نظامی هم کم است. وقتی هی کم شد، چون یکسری کمی کمی را با خودش می‌آورد. جمعیت کم، تحصیلات کم، کار کم، اقتصاد ضعیف، لقمه کوچک است و لذا قشنگ قورت می‌دهند.

۲- نقش جمعیت، در افزایش قدرت

قرآن به ما گفته که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» (انفال/ ۶۰) یعنی باید مسلمان‌ها قدرتی داشته باشند، «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» دشمن خدا را بترسانند، یعنی قدرت بازدارنده. چه وقت قدرت بازدارندگی داریم، جمعیت داشته باشیم.

اگر امام خمینی (ره) جمعیتی نداشت، یک عده قلیلی طرفدار امام خمینی بودند. انقلاب پیروز می‌شد؟ عده‌ی قلیلی دور و ور امیرالمؤمنین بودند. باقی‌ها سمت دیگر رفتند. حضرت علی که هزارها برابر بالاتر از امام خمینی است، در خانه نشست، اگر یک سوزن در پارچه شیرجه می‌رود بخاطر نخ دمش است. وقتی نخ بلند است بیشتر می‌دوزد. نخ نباشد اصلاً نمی‌تواند بدوزد. نخ کم باشد کم می‌دوزد. جمعیت، در قرآن خیلی آیه داریم در مورد جمعیت، می‌فرماید: «يَذَرُوكُمْ» (شوری، ۱۱) یعنی شما را با زاد و ولد زیاد کردیم. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا، وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً» تعریف می‌کند، خدا وقتی منت می‌گذارد می‌گوید: شما بچه دارید. بچه‌های شما بچه دارند و نوه دارید.

ترک ازدواج، کسی ازدواج نکند یا از بچه دار شدن جلوگیری کند، حلال‌های خدا را برخورد حرام کند، این باطل‌گرایی است. چون قرآن می‌گوید: من به شما فرزند دادم، نوه دادم. پشت سرش می‌گوید: «أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ» پشت سرش می‌گوید: «أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ» سمت باطل می‌روید؟ «وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ» (نحل/ ۷۲) نعمت‌های خدا را کفران می‌کنید؟ اول می‌گوید: بچه دادم، نوه دادم، پشت سرش می‌گوید: سمت باطل می‌روید؟ یعنی اگه بچه نیاوردید یا ازدواجتان را عقب انداختید باطل‌گرا هستید. نعمت‌های خدا را کفران کردید. تعبیر قرآن است و باید اینها را بنویسم. باید هی بلند شوم و بنشینم... باشد بلند می‌شود و می‌نشینم.

۳- کثرت جمعیت، نعمت و امداد الهی

بسم الله الرحمن الرحيم، تعبیرهای قرآن، [پای تخته] تعبیرات اسلامی، ۱- ترک همسر و فرار از فرزند باطل‌گرایی و کفران است. چون می‌گوید: بچه دادم، نوه دادم، بعد از این جمله که می‌گوید: بچه دادم، نوه دادم، می‌گوید: سمت باطل بروید. نعمت خدا را کفران می‌کنید؟ یعنی چرا از همسر و فرزند دوری می‌کنید؟ باطل گراست. این یک تعبیر، تعبیر دیگر در قرآن و روایات هست. می‌فرماید: «وَيُؤْمِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ» (نوح/ ۱۲) من به شما توسط جمعیت قدرت دادم. جمعیت قدرت است. یک کشور پنج میلیونی با کشور پنجاه میلیونی فرق می‌کند. کشور پنجاه میلیونی با کشور دویست میلیونی فرق می‌کند. منتهی فرزند خالی نه، قرآن و روایات، تعبیراتش را بنویسم بلکه امروز رزومه‌ای برای بعضی باشد. قرآن می‌گوید: بچه عضد است. با عین، ضاد، عضد! عضد یعنی بازو، یعنی چه؟ یعنی اگر گفتند: آقای قرائتی نه بچه دارد، نه تا! خوشا به حالت، چرا؟ چون هر بچه‌ای دو تا بازو دارد. نه ضرب در دو می‌شود هجده. نه بچه دارد یعنی هجده بازوی تولیدی دارد. الان بچه بازو نیست. کار ندارند

خیلی، مهارتی ندارند، هنری ندارند. بچه شده شکم، نه تا بچه، چه به اینها بدهد بخورند. بچه در زمان ما شده مساوی با شکم، هفت تا بچه یعنی هفت شکم. سه تا بچه یعنی سه تا شکم. نه تا بچه یعنی نه تا شکم، بچه شکم نیست. حدیث می‌گوید: بچه بازو است. نه تا بچه یعنی هجده بازوی تولیدی. ما بیکار هستیم. بی هنر هستیم بعضی از ما، بی هنری و بیکاری و کسالت ما باعث می‌شود می‌گوییم حالا که اینطور شد صورت مسأله را پاک کنید اصلاً بچه نمی‌خواهیم. چرا برای اینکه من باید سراغ کار بروم، ساعت کارم را اضافه کنم، نوع کارم را اضافه کنم، تحصیلاتم را اضافه کنم، من حال ندارم پس بچه... صورت مسأله را عوض می‌کنیم.

یک خاطره یادم آمد برای شما بگویم. یک کسی از آشناها رفته بود در شهری که زندگی می‌کرد، گرانترین منطقه خانه بزرگ تهیه کرده بود. گفتم: پول از کجا آوردی؟ خیلی خانه بزرگی است. می‌دانید زمین متری چند است؟ گرانترین منطقه است. تهران نبود یکی از استان‌ها، در آن استان گرانترین منطقه بود. به شوخی گفتم، ولی می‌خواهم بگویم آنهایی که می‌خواهند در بروند چطور در می‌روند. گفتم: مگر حدیث نداریم که از هر طرف چهل تا خانه همسایه است؟ گفتم: بله حدیث داریم. از هر طرف چهل تا خانه همسایه است. گفتم: مگر حدیث نداریم هرکس سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد جهنمی است. گفتم: چرا؟ داریم اگر کسی سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد ایمان ندارد. گفتم: من می‌خواستم خانه تهیه کنم گفتم: کجا بروم، تا چهل خانه پولدار هستند. فکر کردم این منطقه خوب است. چون تا چهل تا خانه از هر طرف تا چهل تا خانه از این سرمایه‌دارهاست. چون حال جهنم نداشتم رفتم اینجا خانه خریدم. البته خودش می‌دانست و می‌خندید و می‌گفت. توجیه است. ما هم اینطور شدیم. چون حال کار و اقتصاد و تحصیل و مهارت نداریم پس چه کنیم؟ ازدواج نکنیم. چون طلا گران است پس...

شما در غذاها وقتی دیدی گوشت گران است، می‌خواستی بادمجان و کدو را با گوشت بخوری، گوشتش را کم می‌کنی یا بدون گوشت می‌خوری؟ مگر ازدواج بی طلا نمی‌شود؟ نه نمی‌شود. چرا نمی‌شود؟ ما طلا را جزء اصول دین ازدواج گرفتیم. تالار را جزء اصول دین گرفتیم. این مسأله کرونا که خدا انشاءالله حل کند، ولی یک چیزهایی یاد ما داد. گفت: هزارها... اگر نگویم دهها هزار، چون آمار دقیق ندارم. هزارها عروسی بی تالار انجام شد که اگر کرونا نبود می‌گفتند: نمی‌شود. مگر می‌شود؟ تالار نباشد مگر می‌شود؟ همه کاری می‌شود. ما خیلی از محالات را، شما می‌گویید که آدم همسایه‌اش را نمی‌تواند از خانه‌اش بیرون کند. ما عرضه نداریم وگرنه سپهد سلیمانی آمریکا را از منطقه بیرون کرد. در قسمت‌های زیادی، چرا می‌گوییم نمی‌شود؟ مگر می‌شود انسان با شاه در افتد؟ خب امام خمینی با شاه در افتاد. چرا بی عرضگی خودمان را می‌گوییم نمی‌شود؟ بگو من نمی‌توانستم.

هرکاری که نسل را کم کند حرام است. مثل سقط، جریمه سقط را برای شما بگویم؟ طوری می‌گوید حفظ شوید. بیست بیست بالا بروید. بیست مثقال، دو برابر، چهل مثقال، شصت مثقال، هشتاد مثقال، صد مثقال، هزار مثقال، بیست بیست بالا می‌رود. بیست، چهل، شصت، هشتاد، صد. اگر کسی با قرص و آمپول و با هر عامل دیگری نطفه را پایین کشید و سقط کرد و بچه را در آغاز انعقاد نطفه پایین کشید، سقط کرد، بیست مثقال طلا جریمه‌اش است. اگر این بچه شکل گرفته بود و در رحم مادر

گوشت نرم شده بود، چهل مثقال، اگر در این گوشت استخوان پیدا شد، شصت مثقال، اگر روی استخوان پوست است هشتاد مثقال. اگر روح در آن دمیده شود هزار مثقال طلا می‌شود. چرا جلوی بچه‌دار شدن را می‌گیری؟

۴- ترک ازدواج و فرزندآوری، نوعی سوء ظن به خدا

حدیث داریم کسانی که بچه‌دار نمی‌شوند مشکل ایمانی دارند. یعنی می‌گوید: خدایا اگر من یکی باشم تو رزق مرا می‌رسانی اما اگر دو تا شدیم تو دیگر نمی‌توانی و ضعیف هستی. ما به خدا می‌گوییم تو نمی‌توانی خرج دو نفر را بدهی. گاهی وقت‌ها هم یک پولهایی خرج می‌کند مثلاً می‌گوید: سبب کیلویی چند است؟ موز کیلویی چند است؟ تخم مرغ کیلویی چند است. این گرانی را قبول دارم، اما این گرانی نمی‌توانی صرفه جویی کنی. شما یک لامپ در اتاق کافی بود. چرا رفتی لوستر خریدی؟ چطور آنجا وقتی لوستر می‌خری تفاوت پول لوستر و لامپ به اندازه دو سال بچه‌ات میوه بخورد. یک جاهایی بخاطر هوس ولخرجی می‌کنیم آنوقت از نسل آینده کم می‌گذاریم. از جمعیت کم می‌گذاریم. کم شدن بچه ممنوع است.

قرآن می‌فرماید: «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا» (انعام/۱۴۰) دو تا فحش در این آیه هست. فحش، بعد هم می‌گوید: «قد خسر» خسارت زدی، بچه کم داری، باختی. بعد هم می‌گوید: بچه‌ات را کشتی؟ «سَفَهًا» سفاهت است. کسی که بچه‌اش را سقط کند، کورتاژ کند، قرآن گفته «سَفَهًا» از ترس خرجی، «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا» کلمه قد یعنی حتماً شک نکن. خسارت یعنی آب شدن، یعنی آب می‌شوی. فرق است بین ضرر و خسارت. یکوقت می‌بینیم «ان الانسان لفي خسر» یکوقت می‌گوییم «ان الانسان لفي ضرر» ضرر و خسارت فرقش چیست؟ ضرر این است که نرخ پایین بیاید. طلا مثقالی فلان، نرخ پایین آمد. می‌گویی ضرر کردم. یعنی نرخ پایین آمد. طلا از بین نرفته است. طلا حلبی و آب نشده است. طلا، طلاست. اما پنج مثقال طلا، دو مثقال طلا، طلا طلاست اما نرخ پایین می‌آید. اگر نرخ پایین بیاید ولی اصلش باشد ضرر می‌گویند. اما اگر اصل سرمایه از بین رفت، مثل یخ فروش، کسی یخ‌هایش را نمی‌خرد، یخش آب می‌شود کل سرمایه از بین می‌رود. اینجا نمی‌گوییم ضرر، می‌گوییم: خسارت. خسارت یعنی آب شدی. نمی‌گوید: «ان الانسان لفي ضرر» اگر گفت: بسم الله الرحمن الرحيم، «والعصر ان الانسان لفي ضرر» یعنی هستی نرخ کم شد مثل طلا، می‌گوید: «ان الانسان لفي خسر» یعنی مثل یخ آب شدی. می‌گوید: آب می‌شوید شما که جمعیت ندارید. آب می‌شوید. «قد خسر» نمی‌گوید «قد ضرر»، «خسر اولادهم سَفَهًا» یعنی این کشتن بچه سفاهت است.

۵- ترک فرزندآوری، از ترس فقر و گرسنگی

در قرآن دو تعبیر داریم. گاهی می‌گوید: بچه‌هایشان را می‌کشند «مِنْ إِمْلَاقٍ» (انعام/۱۵۱) گاهی می‌گوید: «خَشْيَةُ إِمْلَاقٍ» (اسراء/۳۱) املاق یعنی گرسنگی، از ترس خرجی بچه‌اش را می‌کشد. این املاق است. خَشْيَةُ املاق یعنی نگران است. یعنی فقیر نیست، ترس فقر او را گرفته است. مثل اینکه می‌خواهد پول خرج کند می‌گوید: پیری داری، کوری داری، برای آینده‌ات بگذار. هی «الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ الْفَقْرَ» هی به خودش تلقین می‌کند که چه خواهد شد، فردا چه خواهد کرد؟ هم در قرآن یک آیه داریم «خَشْيَةُ املاق» هم آیه داریم املاق، املاق خالی یعنی فقر، بخاطر فقر بچه‌اش را از بین می‌برد. «خَشْيَةُ املاق» یعنی فقیر هم نیست. وضع مالی‌اش خوب است ولی «خَشْيَةُ املاق» نگران است.

حدیث داریم «اَطْلُبِ الْوَلَدَ» به دنبال بچه بروید، فرزند آوری داشته باشید، «فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ» از خرج ترسید. آینده چه می‌شود؟ همان خدایی که اینجا پوست دست شما را یک خرده پوست گذاشت، پشت دست شما اینجا یک خرده پوست دست شما ذخیره شده است. چرا؟ این بچه که به دنیا می‌آید فعلاً کاری به جایی ندارد، وقتی بزرگ شود دست و پایش بزرگ شود می‌خواهد حرکت کند. اگر این پوست اضافه نباشد این حرکت‌ها نمی‌شود ولی اینجا پوست اضافه نیست. چون هیچوقت هیچ انسانی در هیچ کاری نیاز نداشته تا حالا که دستش از این طرف خم شود. لذا از این طرف خم نمی‌شود و اینجا پوست اضافه نیست. اینجا پوست اضافه نیست چون نیاز نیست. اینجا پوست اضافه هست چون نیاز است. آن خدایی که در تدبیرش این را دیده که این آقا بیست سال دیگر بزرگ می‌شود می‌خواهد حرکت کند باید دستش بتواند خم شود. کف پا را گودی قرار داده است. چشم ما از پی است، پی اگر در آب و نمک نباشد از بین می‌رود، اشک ما را شور قرار داده است. تولید آب دهان ما به اندازه است. نه زیاد است چک چک بچکد و نه کم است که مثل سرم شیلنگ به ما وصل باشد.

آن خدایی که برای چشم ما مژه گذاشته است. ابرو گذاشته است، این ابرو برای این است که نور خورشید به چشم ما نتابد و سایبان باشد. مژه گذاشته دروازه بان چشم، پلک گذاشته اتوماتیک باز و بسته می‌شود. آن خدا رزق بچه ما را هم می‌دهد. سوء ظن به خداست. گاهی می‌گوییم دولت تأمین کند. این هم سوء ظن به خداست. یعنی مثلاً می‌گوییم... دولت‌های دنیا توانستند کرونا را حل کنند چرا ما به جای ایمان به خدا سراغ جای دیگر می‌رویم؟ پیغمبرها همین که می‌دیدند بچه‌دار نیستند، دعا می‌کردند «ربنا» رب... «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا» (انبیاء، ۸۹) خدایا من نمی‌خواهم مجرد باشم، مجردی بد است. به جامعه هم گفته که کمک کنید به خصوص کسانی که دختران زیاد دارند. حدیث داریم اگر دخترها به چهار تا رسیدند «أعینوهم» کمکش کنید. «اقرضوه» به او قرض بدهید. «ارحموه» رحم کنید. حدیث در من لا یحضر است. یعنی جامعه هم مسئول است. خانه‌ی بسیار بزرگ دارد و همسایه‌اش پر بچه و جا تنگ، اشکال دارد یک دهم زمین، یک صدم زمین خود را، یک قطعه کوچک را بدهی بگویی آقا شما بچه‌های زیادی داری این قطعه را بروید کاری کنید. جامعه مسئول است. ما به آدم‌های عیال مند باید برسیم. نباید جلوی بچه را بگیریم. پیغمبر فرمود: هرچه بچه‌های شما زیاد باشند روز قیامت من افتخار می‌کنم که امت اسلامی زیاد هستند. افتخار امت هستند، پیر هم شدید باز به فکر بچه باشید.

۶- امید به فرزندآوری با استمداد از خدا

قرآن به پیرها گفت: «إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ» (حجر/۵۳) به صد ساله گفت، پیغمبر صد ساله بود، حضرت ابراهیم بود یا زکریا، گفت با اینکه پیر شدی، حدود صد سال داری «إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ» یعنی نگویند دیگر از ما گذشته است. هیچوقت از هیچکس نگذشته است.

زن‌های نازا، آنها هم مأیوس نباشند. زن حضرت زکریا جوانی‌هایش هم نازا بود. وقتی فرشته گفت: خدا می‌خواهد بچه بدهد. گفت: من، «وَأَمْرَأَتِي عَاقِرٌ» (آل عمران/۴۰) یعنی زن هم جوانی‌هایش هم بچه‌دار نشد حالا در سن نود سالگی بچه‌دار شود. گفت: مأیوس نشو.

بچه در اسلام قرء عین است. کلمه «قرء عین» نور چشم است. «من سعادة الرجل ان يكون له ولد يستعين به» (فروع کافی، ج ۶، ص ۲) بچه خوب است بازوی پدرش باشد. یکی از مشکلات مملکت ما اشتغال است. چرا اشتغال قفل شده است؟ بخاطر اینکه بچه‌ها شغل پدرشان را یاد نمی‌گیرند. یک لیسانس می‌گیرد، در خانه می‌نشیند و می‌گوید: مرا استخدام کنید. آقاجون ابوی شما چه کاره است؟ خیاط است. خب شغل پدرت را یاد می‌گرفتی. شغل پدرش هم یاد نمی‌گیرد. آقا پدر شما چه کاره است؟ آشپز است. شغل پدرت را لااقل یاد بگیر. اگر استخدام شدی الحمدلله، استخدام نشدی یک هنر داشته باش. شغل پدرت را داشته باش. چقدر دختر فلج داریم، دیپلم فلج، فوق دیپلم فلج، لیسانس فلج، شغل مادرش هم بلد نیست. مادرش ده تا هنر دارد با اینکه سواد دخترش را ندارد. مادرها خیلی‌ها سواد دختر را ندارند اما مهارت‌هایی دارند. این دختر در این ایام تابستان، ما در یک کلمه بلد نیستیم زندگی کنیم.

همین ایام کرونا یک لیموی ترشی بود خدا قسمت ما کرد. ما اگر آشپز بودیم از همین لیمو ترش لیمونات درست می‌کردیم. ما آشپز نیستیم. این زن‌هایی که هنر دارند از پوست پرتقال مربا درست می‌کنند. زن‌هایی که هنر ندارند برنج رشت هم به آنها بدهی کوفته می‌کنند. ما هنر نداریم، چقدر آدم هست در شب‌های زمستانی پنج و نیم غروب می‌شود، ده و نیم میانگین می‌خوانند. تو که بلد نیستی قرآن بخوانی، حالا هم ایام کروناست در خانه هستی. آموزش و پرورش و دانشگاه تق و لق است. قرآن را باز کنیم شبی ده دقیقه قرآن بخوانیم و این قرآن خواندن را حل کنیم. خیاطی را یاد بگیریم، کامپیوتر یاد بگیریم. شنا که استخرها بسته است. ببینیم چه می‌توانیم بکنیم از پاره وقت‌ها استفاده کنیم. من یک نمونه برای شما بگویم.

الآن چهل سال است انقلاب شده است. حدود پنجاه سال پیش آیت الله العظمی مکارم، چند طلبه را دور خود جمع کرد. یکی من بودم. فرمود: تعطیلات حوزه زیاد است. آن روز هم ایشان مرجع نبود. پنجاه سال پیش، دیگران مرجع بودند. گفت: ما چه کنیم حوزه را عوض کنیم. حالا خودمان را عوض کنیم. هفته‌ای سه ساعت از تعطیلات کم کنیم. از تعطیلات. ایشان بعد از نماز چهارشنبه، بعد از نماز مغرب یک ساعت و نیم می‌خواهیم سر شب خانه برویم ساعت هفت، هشت خانه می‌رویم. یک ساعت و نیم تعطیلات را کم کنیم. از هشت تا ده، دو ساعت می‌شود با زن و بچه حرف زد. پنجشنبه صبح ولو ممکن است برای پنجشنبه برنامه خاصی داشته باشی، ولی اول وقت بعد از نماز صبح پنجشنبه صبح، یک ساعت و نیم پنجشنبه صبح، یک ساعت و نیم چهارشنبه شب، هفته‌ای سه ساعت تعطیلات را قیچی کردیم، از این چه درآمد؟ تفسیر نمونه بیرون آمد. چند جلد است؟ ۲۷ جلد است. چند بار چاپ شده است؟ شاید صد بار تا حالا چاپ شده باشد. به چه زبانی؟ به چند زبان دنیا ترجمه شده است. ۲۷ جلد تفسیری که به چند زبان دنیا ترجمه شده برای استفاده از تعطیلات است. هر استاد دانشگاهی می‌تواند با چهار دانشجوی خبره، نخبه، دانشجویهای تیزهوش یک برنامه ویژه بگذارد. یک تحقیقی یک پژوهشی، هنری، مهارتی. ما بچه‌دار نمی‌شویم. می‌گوییم: بچه‌دار نشویم که خرج ما سبک باشد.

بعد هم یک سؤال وقتی خدا به من می‌گوید: «وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» (اسراء/۶) بچه زیاد کمک است. شما بچه‌دار نمی‌شوی. می‌گویی: یک بچه، خدا با یک بچه نمی‌تواند حالت را بگیرد؟ آدم داریم چند تا بچه داریم همه سالم هستند. یک قرص نمی‌خورند. آدم هست یک بچه دارد، دائماً دکتر می‌رود قرص، دکتر، آمپول. دکتر... خدا خواسته باشد حالت را بگیرد با

یک بچه هم حالت را می‌گیرد. آدم‌هایی داریم بچه‌های زیادی دارند، مراجعه‌شان به پزشک و دارو کم است. یک بچه دارد دائماً فکر است. این بخاطر این است که می‌گوییم خدایا ببین تو بلد نیستی خدایی کنی. اگر بلد بودی ما یک بچه داشته باشیم خرج ما سبک است. خرج سبک برای یکی و دو تا نیست.

بچه همکار پدرش باشد. از سعادت مرد این است که، «لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ» (کافی، ج ۵، ص ۲۵۷) اولادهایش همکارش باشند. هر پدری... آخر وقتی می‌گوییم: مهارت یاد بگیرید، می‌گویند: مهارت کارگاه می‌خواهد. سالن می‌خواهد، سالن گرفتیم اجازه شهرداری می‌خواهد. اجازه شهرداری گرفتیم لوله‌کشی فاضلاب می‌خواهد و آب آشامیدنی می‌خواهد و آب و گاز و برق... یک کارگاه خواسته باشد درست کند پیرش درمی‌آید. اما هر پدری که هر جا کار می‌کند یک کارگاه دارد. ولو کنار خانه‌اش در زیرزمین خانه‌اش، هرکسی که هر هنری دارد یک کارگاه یک جایی دارد، شریکی یا مستقل، کوچک یا بزرگ، این جوان نزد پدرش هنر پدرش را یاد بگیرد. نمی‌خواهیم کار کنیم.

۷- فرزند خوب، باقیات الصالحات والدین

مسأله‌ی دیگر، یکی از باقیات الصالحاتی که اسمش در قرآن آمده، یعنی وقتی رفتی یک چیز خیر و صلاحی را از خودت باقی گذاشتی. این اولاد مصداق آن است. خانه‌ای که بچه ندارد برکت ندارد. «بیت لا صبیان فیه لا برکة فیه» (فصاحه ۱۰۹۶) برای پیغمبر است. خانه‌ای که بچه درونش نیست برکت درونش نیست. «سَعِدَ امْرُؤٌ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى خَلْفًا مِنْ نَفْسِهِ» این هم در کافی است. سعادت‌مند کسی است که نمرده نوه‌هایش را ببیند. یعنی زود بچه‌دار شود. دختر و پسر هم فرقی ندارد. امام سجاد(ع) بچه‌دار می‌شد اصلاً نمی‌پرسید دختر است یا پسر، می‌گفت: سالم است؟ اگر می‌گفتند: سالم است دیگر نمی‌پرسید پسر است یا دختر؟ «اکثر الولد اکابر بکم الامم» بچه‌دار شوید تا من افتخار کنم که امت محمد زیاد است. (صلوات) «تَزَوَّجُوا السُّودَاءَ الْوُلُودَ الْوُدُودَ وَ لَا تَزَوَّجُوا الْحَسَنَاءَ الْجَمِيلَةَ الْعَاقِرَ» می‌گوید: زن زشتی که بچه‌دار شود و یک زنی است که خوشگل است ولی بچه‌دار نمی‌شود، اسلام می‌گوید: بین زیبایی زن و اولاد اولویت را به اولاد بدهید. اولاد مهم است.

به اولاد خیر کثیر گفته است. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر/۱) ما به شما کوثر دادیم. کوثر چیست؟ فاطمه دادیم. دشمن پیغمبر به پیغمبر می‌گفت: ابتر است. چون پیغمبر دو پسر داشت، در بچگی مردند. پسر نداشت. دخترش ماند که حضرت زهراست. در جاهلیت هم دختر را جزء آدم حساب نمی‌کردند. زن را جزء آدم حساب نمی‌کردند. گفتند: پیغمبر، ریش‌هایش سفید شده، نسل پسر هم ندارد. یک دختر است می‌میرد چراغش خاموش، آیه نازل شد، ما به پیغمبر کوثر دادیم. دشمنت ابتر و بی عقبه است. «بنین شهودا» او با ده بچه اسمش قطع می‌شود. الآن روی کره زمین یک نفر نیست که افتخار کند جد من یزید است ولی میلیون‌ها آدم هستند که افتخار کنند جد ما پیغمبر است، امام کاظم است، امام حسین و امام رضا است. میلیون‌ها آدم افتخار می‌کنند ولی یک نفر روی کره زمین نیست که افتخار کند جد من یزید است. دشمنت ابتر است. حالیش نیست.

امام سجاد در دعا می‌گوید: «أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» بچه‌هایم آدم‌های صالحی باشند. بعد در دعا می‌گوید: خدایا، اجعلهم، بچه‌های من چطور باشند؟ بچه خوب کیست؟ دیگر باید بنویسم... وقت تمام شد. «اجعلهم» خدایا بچه‌های مرا اینطور قرار بده. «وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَاراً أَتْقِيَاءَ» تقوا، «بُصْرَاءَ» بصیرت باشد سرش کلاه نرود. «سَامِعِينَ» گوش به حرف حق بدهند. «مُطِيعِينَ»

مطیع خدا باشد. «وَأُولَئِكَ مُّحِبِّينَ» محبّ و علاقه‌مند به اولیائت باشند، «وَلِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُّعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ» یعنی با دشمنان بد باشند، یعنی بی تفاوت نباشد. حالا به ما چه هرکس هرکاری می‌خواهد بکند. بچه‌های بی تفاوت نباشند. نسبت به باطل برخورد کنند و نسبت به حق تشویق کنند. امر به معروف و نهی از منکر کنند. ابرار، اینها حدیث است خواندم در دعاست. امام وقتی دعا می‌کند می‌گوید: بچه‌ای خوب است که ابرار، اتقیاء، به نماز بچه‌ها برسید. زشت است روز قیامت به ما بگویند: در طول تاریخ پدر در پدر نماز را به تو رساندند اما زمانی که تو پدر و مادر بودی، به دست تو بچه‌ات تارک الصلاة شد. تو پدر و مادر بودی، به دست تو زمانی که تو پدر و مادر بودی بچه‌ات تارک الصلاة شد. عرضه نداشتی، نمازی که در طول تاریخ آوردند و تو به بچه‌ات بدهی. تنها چیزی که بچه‌های ما را بیمه می‌کند همین ارتباط با خداست و گر نه فیلم‌ها و ماهواره‌ها و سایت‌ها و... یعنی طوری شده که فقط نخی که مانده نخ رابطه با خدا و نماز است. اگر بچه‌هایتان می‌خواهید از خودتان باشند. اینقدر لیسانس و فوق لیسانس را بت نکنید.

کسی که می‌تواند بچه‌اش ازدواج کند حتی در دیپلمی، من با ازدواج دانشجویی خیلی رفیق نیستم. ازدواج باید در دبیرستان باشد. همین دیروز خانمی به من زنگ زد گفت: از شانزده سالگی خواستگارهای زیادی داشتم هی گفتم: باشد دیپلم، باشد کنکور، باشد لیسانس، الآن فوق لیسانس هستم و ۳۵ سال دارم و دیگر خواستگار ندارم. وقت ازدواجم گذشت. همین دیروز... هستند دخترهایی که سنشان بالا رفته بخاطر اینکه پدر و مادر هی می‌گویند: کنکور... چه دلیلی داریم هرکس کنکور موفق شد خوشبخت است. کنکور یک ارزش است اما اینطور نیست هرکس در دانشگاه رفت حتماً ارزش دارد و هرکس نرفت حتماً بدبخت است. ما آدم‌هایی داریم بالاترین مدرک علمی را دارند ولی مشکلات زیادی در زندگی دارند. آدمی داریم مدرک علمی‌اش پایین‌تر است و هیچ مشکلی ندارد نترسید، ازدواج و بچه‌دار شدن در اسلام اصل است. خدایا هر جا که از بچه‌دار شدن دوری کردیم از ترس خرجی، این بی معرفتی ما بوده، سوء ظن ما به تو بوده است. سوء ظن‌های ما را تبدیل به حسن ظن و عقاید ما را محکم بفرما. البته سهم دولت هم سر جایش است که باید برنامه داشته باشد ازدواج را آسان کند. می‌شود ازدواج را آسان کرد اگر بخواهیم می‌شود.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»

۱- در آیه ۷۲ سوره نحل به کدام نعمت الهی اشاره شده است؟

(۱) همسر

(۲) فرزند

(۳) همسر، فرزند، نوه

۲- در آیه ۱۲ سوره نوح، به کدام یک از امدادهای الهی اشاره شده است؟

(۱) نزول فرشتگان

(۲) تولد فرزندان

(۳) نزول صبر و آرامش

۳- در آیه ۱۴۰ سوره انعام، برای سقط جنین چه تعبیری آمده است؟

(۱) خسارت

(۲) سفاهت

(۳) هر دو مورد

۴- قرآن در آیه ۶۰ سوره انفال به چه امری اشاره کرده است؟

(۱) ترس دشمنان از مسلمانان

(۲) ترس مسلمانان از دشمنان

(۳) ترس مسلمانان از خدا

۵- قرآن به کدام یک از عوامل سقط جنین اشاره کرده است؟

(۱) ترس از فقر و گرسنگی

(۲) ترس از بیماری جنین

(۳) فرار والدین از مسئولیت